

جلوه‌های وطن‌پرستی در شعر زنان فلسطینی

(با تکیه بر اشعار فدوی طوقان)

عزت ملاابراهیمی*

چکیده: اگر به بررسی شعر معاصر فلسطین خلال یک قرن گذشته بپردازیم، خواهیم دید که مفهوم ملیت و وطن بر دیگر مضامین شعری آن غلبه کرده است. شاید بدان سبب باشد که سرزمین فلسطین در طی این دوران پیوسته آستان حوادث متعدد بود و همین اسباب و عوامل سبب شد تا حس وطن‌پرستی و دفاع از ملیت و کیان عربی پیوسته در میان شاعران فلسطینی جلوه‌گر باشد. از صدور اعلامیه بالفور، تلاش برای عملی کردن مفاد آن، مهاجرت گسترده و برنامه‌ریزی شده‌ی یهود به فلسطین، حمایت همه‌جانبه برای تجهیز و تسلیح آنان گرفته تا سرکوبی فلسطینیان، اهانت به مقدسات مذهبی آنان و قیام‌های سراسری چون ۱۹۳۶ تا ۱۹۳۹، جنگ‌های ۱۹۴۸، ۱۹۶۷ میلادی همه‌ی این عوامل در شعله‌ور ساختن روحیه‌ی وطن‌پرستی در میان فلسطینیان نقش به‌سزایی داشت. طبیعی است که شعر معاصر فلسطین به ویژه شعر فدوی طوقان نیز هم‌گام با آمال و آرزوهای ملی، در راستای ایفای رسالت سازنده خود به ترویج روحیه‌ی وطن‌پرستی بپردازد.

واژه‌های کلیدی: فلسطین، شعر معاصر، وطن‌پرستی، زنان، فدوی طوقان.

مقدمه

فلسطین گهواره ادیان بزرگ توحیدی و نقطه پیوند تمدن‌هاست. به سبب اهمیت ویژه‌ای که این سرزمین داشت، پیوسته عرصه‌ی تاخت و تاز دولت‌های استعماری بود. از این رو فلسطینیان در طول تاریخ قربانی توطئه‌های شوم استعمارگران گشته‌اند. از دولت عثمانی گرفته تا انگلیس و صهیونیسم همگی درصدد نابودی کیان ملی و میراث فرهنگی این مرزوبوم و آواره ساختن وارثان اصلی آن برآمدند. سوداهای استعمار پیر - انگلیس - بر مناطق عربی به ویژه فلسطین که از سده‌ی ۲۰ میلادی آغاز شده بود، تنها به

حفظ امنیت راه‌های بازرگانی هند یا تحکیم پایگاه‌های نظامی و دریایی خاورمیانه محدود نمی‌شد. بلکه استعمارگران همواره قصد داشتند تا با سیطره ناوگان قدرتمند خود بر آب‌های منطقه، سدی در برابر مطامع استعماری دیگر کشورهای اروپایی پدید آورند (ابویصیر، ۱۹۷۱: ۵۴). از این رو با روی کار آمدن هر قدرت مقتدر و مستقل محلی به مخالفت برخاستند و کوشیدند تا با مهاجرت تدریجی یهودیان به فلسطین و اسکان آنان در این سرزمین به مقاصد استعماری خود دست یابند.

بدون شک حفر آبراه سوئز بر موقعیت استراتژیکی فلسطین افزود. در نتیجه اندیشه‌ی تأسیس مستعمره‌ای یهودی و تحت‌الحمایه‌ی انگلیس بیش از پیش در اذهان سیاست‌مداران بریتانیایی قوت گرفت. دیری نپایید که انگلستان در نوامبر ۱۹۱۷، اعلامیه بالفور مبنی بر حق تأسیس «میهن ملی یهود» در فلسطین را تصویب کرد (احمد، ۱۹۸۱: ۸۷). این اعلامیه بارزترین مظهر اتحاد نامقدسی بود که میان بریتانیا و جنبش استعماری صهیونیسم صورت می‌گرفت. از آن پس پشتیبانی و حمایت انگلیس سبب شد تا صهیونیست‌ها تمامی امکانات موجود خود را برای سیطره بر فلسطین به کار گیرند.

بعدها با اعلام قیمومت بریتانیا بر فلسطین که در ۳۱ مه ۱۹۲۰ از تصویب جامعه ملل گذشت و انتصاب هربرت ساموئل سیاست‌مدار کهنه‌کار یهودی، به عنوان نخستین کمیسر عالی بریتانیا در فلسطین راه برای تسلط همه جانبه‌ی یهودیان بر این مرزوبوم هموار گردید (کیالی، ۱۹۷۱: ۴۵). آنان با حمایت دولت قیمومت طرح مشترکی را تدوین کردند که اشغال تدریجی فلسطین پایه و اساس آن بود و با تشویق یهود به مهاجرت، انتقال اراضی عربی به آنان و تعلیق خودمختاری عرب‌ها این طرح به مرحله‌ی اجرا درآمد. از آن پس تلاش‌ها، قیام‌ها و جان‌فشانی‌های مستمر مسلمانان در راه خنثی ساختن دسیسه‌های استعماری بی‌نتیجه ماند و سرانجام در ۱۹۴۸ دولت اسرائیل پا به عرصه وجود نهاد.

به رغم حوادث ناگوار، رویدادهای تأسف‌بار و کشتارهای دسته‌جمعی که این ملت با آن مواجه بود، اما هرگز عزم و اراده‌ی آن برای آزادسازی وطن اشغالی به سستی نگرایید. شعر معاصر فلسطین به ویژه شعر زنان نیز پیوسته این رخدادها را دنبال می‌کرد و آن‌ها را بدون کم و کاستی به تصویر می‌کشید؛ درد را می‌شناخت و درمان را ارایه می‌کرد؛ از آرمان‌های ملت‌ش صیانت می‌کرد و پیوسته در راه بیداری هم‌وطنانش می‌کوشید تا آنان را به ساحل امنیت، سرافرازی، رهایی و پیشرفت رهنمون سازد. ما نیز در این مقاله کوشیده‌ایم تا با استناد به شعر فدوی طوقان به بازنمایی جلوه‌های وطن‌پرستی بپردازیم.

مفاهیم وطن‌پرستی

شاعران فلسطینی به‌ویژه فدوی طوقان در مراحل مختلف تاریخ پیوسته سخن‌گوی ملت‌شان بوده‌اند، تحولات و حوادث این مرزوبوم را در خلال آثار خود ضبط کرده‌اند و بدین‌سان نقاب از چهره‌ی اشغالگران برداشته‌اند. به‌طور کلی مهم‌ترین مسائل ملی را که فدوی طوقان در آثار خود به آن پرداخته است، بدین‌گونه می‌توان دسته‌بندی کرد.

دعوت به اتحاد و هم‌بستگی و پرهیز از نفاق و تفرقه در راه آزادسازی وطن

استعمارگران از دیرباز به سرزمین فلسطین چشم دوخته بودند. پس از آن‌که نقشه‌های شوم استعماری آنان محقق گشت، به تلاش همه‌جانبه‌ای برای افشاندن بذر کینه و نفاق در میان فلسطینیان و تضعیف روحیه‌ی آنان دست زدند. سیاست‌مداران بریتانیایی بدین منظور کوشیدند تا با وعده سپردن مناصب دولتی به سران ملی و رهبران سنتی نظر آنان را به سوی خود جلب کنند. با این اقدام راه برای تحقق سیاست‌های آنان هموار می‌گشت. اما مردم که در پیشاپیش آنان شاعران و نویسندگان قرار داشتند این توطئه‌ها را نقش بر آب ساختند.

از این روست که می‌بینیم شعر معاصر فلسطین پیش از اشغال پیرامون وحدت و هم‌بستگی ملی، پرهیز از فرقه‌گرایی یا تفرقه، پرده برداشتن از توطئه‌های مودیانۀ دشمن، دست کشیدن از سلیقه‌های فردی، حل اختلافات داخلی به شیوه‌ی مسالمت‌جویانه و دوراندیشی و تسامح دور می‌زند، تا بدین‌سان گامی به سوی بیداری ملی بردارد (یاغی، ۱۹۸۱: ۱۶۷). فدوی طوقان از جمله شاعرانی است که از همان آغاز درصدد خنثی کردن توطئه‌های استعمارگران برآمد و هم‌وطنان خود را به بیداری و هوشیاری فراخواند. او که از سیاست بیهود احساس خطر می‌کرد، همواره کمر همت به استحکام پایه‌های وطن بست و فریاد آزادی و رهایی برآورد (الاعمال الشعرية الكاملة، ۱۹۹۳: ۴۲۷-۴۲۸):

حُرَيْتِي! حُرَيْتِي! حُرَيْتِي
صوتُ أَرْدَدَهُ بِجَمَلٍ فَمِ الْغَضَبِ
تحت الرِّصاص وَ في اللِّهَبِ
وَ أَظَلُّ رَغَمَ الْقَيْدِ أَعْدُو خَلْفَهَا
وَ أَظَلُّ رَغَمَ اللَّيْلِ أَفْقُو خَطْوَهَا

وَ أَظْلٌ مَّحْمُولًا عَلَى مَدِّ الْغَضَبِ
وَ أَنَا أَنَا حُرِّيَّتِي
حُرِّيَّتِي! حُرِّيَّتِي!
وَ يَرُدُّ النَّهْرُ الْمُقَدَّسُ وَ الْجَسُورُ
حُرِّيَّتِي!
وَ الضَّفَّتَانِ تُرَدَّدَانِ: حُرِّيَّتِي!
وَ مَعَابِرُ الرِّيحِ الْغُضُوبِ
وَ الرَّعْدُ وَ الْإِعْصَارُ وَ الْأَمْطَارُ فِي وَطَنِي
تُرَدِّدَهَا مَعِي
حُرِّيَّتِي! حُرِّيَّتِي! حُرِّيَّتِي

(ای آزادیم! ای آزادیم! ای آزادیم! این صدایی است که همواره با دهانی پر از خشم تکرارش می‌کنم. زیر رگباری از گلوله و آتش و با وجود همه‌ی زنجیرها هم چنان به دنبالش می‌روم و با وجود سیاهی شب پیوسته گام‌هایش را دنبال می‌کنم. خشم مرا فرا می‌گیرد. در حالی که برای آزادیم پیکار می‌کنم. ای آزادیم! ای آزادیم! رودخانه‌ی مقدس و پل‌ها آزادی را بازگو می‌کنند. ای آزادیم! و دو کرانه رود با من تکرار می‌کنند: ای آزادیم! و گذرگاه باد وحشتناک و تندر و تندباد و باران‌های وطنم آن را با من تکرار می‌کنند ای آزادیم! ای آزادیم! ای آزادیم!)

این اشعار طولانی که در این جا تنها به ذکر نمونه‌هایی از آن بسنده شده است، بازگوکننده‌ی فریاد و فغان شاعری دل‌شکسته است که می‌کوشد آن چه را که در ضمیر هر فلسطینی نهاده شده، به تصویر کشد. این ابیات بر آگاهی کامل فدوی و شناخت وی از توطئه‌های استعمارگران دلالت دارد. شاعر در تلاش است تا ضمن خنثی ساختن توطئه‌های دشمن، رشته‌های مقاومت و پایداری را در میان مردم تحکیم بخشد. اما به نظر او نخست باید دسیسه‌های گوناگون فتنه‌جویان را به درستی شناخت، تا نجات از هلاکت و فنا و دستیابی به فلاح و پیروزی میسر گردد. «أَعُوذُ إِلَى بَضْعَةِ أَسَابِيعِ تَنْقِضِي عَلَى الصِّدْمَةِ الَّتِي أَصَابْنَا بِهَا عُدْوَانَ خَيْرَانَ شَهْرَانَ أَوْ أَكْثَرَ بَقِيلٍ نَسْتَرِدُّ بَعْدَهَا وَعَيْنَا وَ نَفِيقٌ مِّنَ الدُّهُولِ» (رحلة جبلية، ۱۹۸۸: ۱۷۷).

(چند هفته پیش را به خاطر می‌آورم که با ضربه‌ای که دشمنان ژوئن بر ما وارد کردند، سپری شد. اما پس از دو ماه یا کمی بیشتر به خود آمدیم و از آن سرگردانی‌های یافتیم.)

جلوه‌های وطن‌پرستی در شعر زنان فلسطینی (با تکیه بر اشعار فدوی طوقان) ۱۱۹

باید گفت که پس از اشغال سرزمین فلسطین به دست ارتش صهیونیسم و تشکیل اسرائیل در ۱۹۴۸ میلادی نسلی از شاعران زن فلسطینی به ظهور رسیدند که باید آن را «نسل شکست و حزن» نامید. سروده‌های شاعران فلسطینی و یا شاعران عربی که پیرامون مسأله‌ی فلسطین از آن پس شعر سرودند، لحنی حزن‌انگیز، مأیوس‌کننده، سرشکسته و روماتیک دارد، که همه چیز تقریباً برای آن‌ها تمام شده است. چه، آنان را از بهشت گمشده خود رانده‌اند، تنها از دور در رویاهای شاعرانه خود گاهی شبی از آن بهشت را می‌بینند و جز زاری و نوحه‌کاری از آنان ساخته نیست (کیالی، ۱۹۷۵: ۱۶۸).

بررسی شعر بهترین سرایندهگان فلسطینی چون فدوی طوقان و سلمی خضراء جیوسی در سال‌های پس از اشغال نشان می‌دهد که همه چیز در اشعار آنان در حاله‌ای از ابهام، یأس و نومیدی فرورفته و در پس ابری از اندوه و درد پنهان شده است (طوقان، ۱۹۵۴: ۳۷۷):

يا وَطَنِي الْحَبِيبُ لَا مَهْمَا تَدْر

عَلَيْكَ فِي مَتَاهَةِ الظُّلَمِ

طَاخُوْنَهُ الْعَذَابِ وَالْأَلَمِ

لَنْ يَسْتَطِيعُوْا يَا حَبِيْبِنَا

أَنْ يَفْقَؤُوا عَيْنَيْكَ لَنْ

يَلْقَتُوا الْأَحْلَامَ وَالْأَمَلِ

لِيَصْلُبُوا حُرْبَةَ الْبِنَاءِ وَالْعَمَلِ

لِيَسْرِقُوا الضَّحَكَاتِ مِنْ أَطْفَالِنَا

لِيَهْدُمُوْا لِيَحْرِقُوا فَمِنْ شَقَائِنَا

مِنْ حُزْنِنَا الْكَبِيْرِ مِنْ لَزْوَجِهِ

الدَّمَاءِ فِي جُدْرَانِنَا

مِنْ اخْتِلَاجِ الْمَوْتِ وَالْحَيَاةِ

سَتَبْعُثُ الْحَيَاةَ فَيْكَ مِنْ جَدِيدِ

(وطن عزیزم! هر چه آسیاب درد و رنج در میان دهلیز پیچ در پیچ ستم بر تو بگردد، ای دوستان هرگز نمی‌توانند چشمانت را کور کنند. هرگز نمی‌توانند رویاها و امید را نابود سازند و سازندگی و آبادانی

۱۲۰ زن در فرهنگ و هنر (پژوهش زنان)، دوره‌ی ۱، شماره‌ی ۴، تابستان ۱۳۸۹

را بر دار کشند یا خنده‌های کودکانمان را به یغما برند، ویران کنند و آتش زنند. سرانجام از بدبختی‌ها، از غم سترگمان، از چسبندگی خون بر دیوارهای ما، از لرزش زندگی و مرگ دیگر بار زنده خواهی شد.)
این حال و هوا در شعر فلسطین استمرار دارد، تا این‌که پس از انقلاب مصر در ۱۹۵۲ و اقداماتی که جمال عبدالناصر برای ایجاد روح وحدت و تقویت ناسیونالیسم عربی انجام داد، اندک اندک شعر فلسطینی دگرگون می‌شود (خطیب، ۱۹۵۹: ۷۳) و با رشد حس قومیت عربی در منطقه و پیروزی انقلاب‌های ملل جهان در سایه‌ی مقاومت مسلحانه، فلسطینیان نیز بار دیگر درمی‌یابند که نه مسأله فلسطین فراموش شدنی است و نه از زاری و نوحه‌کاری ساخته است. از این رو شاعری چون فدوی طوقان هر گونه سستی، ذلت و خواری را مردود می‌داند و از هوطنانش می‌خواهد تا با پوشیدن لباس رزم، ردای عزت و سربلندی را بر قامت ملت خویش بپوشانند. شاعر با سرودن شعری زیبا و به دور از تکلف به آنان اطمینان می‌دهد که نصرت و پیروزی حتمی است و در این چکامه خود فریاد برمی‌آورد که (الاعمال الشعریة الکاملة، ۱۹۹۳: ۱۳۸):

وَجَدْتُهَا يَا عاصِفَاتُ اعصِفِي

وَقَتَّعِي بِالسُّحُبِ وَجَةَ السَّمَاءِ

مَا شِئْتَ، يَا أَيَّامُ دُورِي كَمَا

قُدِّرَ لِي مُشْمِسَةً ضاحِكَةً

أَوْ جَهْمَةً حَالِكَةً

فَإِنَّ أَنْوَارِي لَا تَنْطِقِي

وَ كُلُّ مَا قَدْ كَانَ مِنْ ظِلٍّ

يَمْتَدُّ مُسَوِّدًا عَلَى عُمُرِي

يَلْفُةً لَيْلًا عَلَى لَيْلٍ

مَضَى، نَوَى فِي هُوَّةِ الْأَمْسِ

يَوْمَ اهْتَدَيْتَ نَفْسِي إِلَى نَفْسِي

(او را یافتم، ای طوفان‌ها بوزید. هر چه خواستید چهره‌ی آسمان را با ابرها بپوشانید. ای روزها! آن‌طور که برایم مقدر شده است به صورت آفتابی و خندان یا عبوس و تاریک بگردید. چرا که روشنایی‌ام

جلوه‌های وطن‌پرستی در شعر زنان فلسطینی (با تکیه بر اشعار فدوی طوقان) ۱۲۱

خاموش نگردد. همه‌ی آن سایه‌های سیاه که بر عمر من کشیده شده است و شبی را به شبی رسانده است، گذشت و در منجلاب گذشته جای گرفت. آن روزی که نفس من به خود راه یافت.)
بدین‌سان فدوی طوقان که پیش از ۱۹۶۷ آثاری حزن‌انگیز و رثاگونه‌ای از خود برجای نهاده بود، پس از جنگ ژوئن اشعارش را با نغمه‌سرایی در راه مقاومت، قیام، انقلاب و ... جاودانه ساخت (اللیل و الفرسان، ۱۹۵۴: ۵۴۵):

يا فلسطينُ اطمئني
أنا و الدارُ و أولادي قرايينُ خلاصيكِ
نحنُ من أجلكِ نحيا و نموتُ...

(ای فلسطین! آسوده خاطر باش که من، خانه و فرزندانم همگی در راه رهایی تو قربانی خواهیم شد. ما تنها به عشق تو زنده‌ایم و می‌میریم.)
و یا در اشعاری دیگر این گونه درباره‌ی وطن به نغمه‌سرایی می‌پردازد (وحدی مع‌الایام، ۱۹۵۵: ۱۳۷-۱۳۹):

سَتَجَلِي العَمْرَةَ يَا مَوْطِنِي
فالجوهرُ الكاملُ في أمتي
هُوَ الشَّبَابُ الحُرُّ ذُخْرُ الحِمِي
لن يَقْعُدُ الأحرارُ عَن ثأرِهِمْ
وَ يَمَسُحُ الفَجْرُ عَوَاشِي الظلم
ما يَأْتِي يَحْمِلُ مَعْنَى الضَّرْمِ
الْيَقِظُ المُستوفِرُ المُنتَقِمِ
وَ فِي دَمِ الأحرارِ تغلي النِّقَمِ

(می‌بهنم! تیرگی‌ها زدوده خواهد شد و سپیده‌دم پیروزی پرده‌های ستم را کنار خواهد زد. جوهره‌ی کامل انسانیت در امت من نهفته است؛ مادامی که در جوش و خروشند. آن جوان آزاده که ذخیره و پاس‌دار حریم میهن است، پیوسته بیدار، آماده و انتقام‌جوست. آزادمردان هرگز از انتقام ستاندن دست برنمی‌دارند و انتقام در خون ایشان می‌جوشد.)

از آن‌چه گذشت درمی‌یابیم که در تاریخ پر حادثه‌خیز فلسطین شعرا پیوسته در پی احقاق حقوق هم‌وطنان خود بوده‌اند؛ از آزادی و سرافرازی میهن سروده‌اند؛ مردم را از تفرقه، فرقه‌گرایی و اختلاف برحذر داشته‌اند و به سوی وحدت، هم‌بستگی و هم‌کاری فراخوانده‌اند. در این میان فدوی طوقان با آزاد کردن عنصر عشق و هموار کردن عاطفه‌ی صادقانه، به شعر معاصر فلسطین خدمت شایانی کرد که در این زمینه می‌توان او را بر شعرای هم عصرش برتری داد.

محکوم کردن قیومت، مهاجرت بی‌رویه یهود و اقدامات ناعادلانه‌ی انگلیس

در جریان جنگ جهانی اول میان اعراب و انگلیس توافقی به امضا رسید که به موجب آن اعراب بر ضد ترکان عثمانی وارد جنگ می‌شدند و انگلیس نیز فرمان‌روایی شریف حسین را به عنوان خلیفه مسلمانان بر سراسر جهان عرب به رسمیت می‌شناخت. پیش از آن که مرکب این پیمان خشک شود وزارت خارجه‌ی انگلیس محرمانه برای تعیین مناطق تحت نفوذ خود و ولایات تابع دولت عثمانی با فرانسه به توافق رسید و بدین‌سان راه برای ورود استعمار پیر بریتانیا بر فلسطین هموار گشت. از آن پس سازمان‌های تابع دولت انگلیس امتیازات و تسهیلات فراوانی به صهیونیست‌ها بخشیدند تا آنان را در راه تشکیل «وطن ملی یهود» در فلسطین یاری رساند.

شاعران فلسطینی از آغاز برای لغو اعلامیه بالفور و توقف روند مهاجرت به پا خواستند. ابراهیم طوقان جسورترین شاعری است که در دفاع از تمامیت ارضی سرزمین فلسطین، بی‌مهابا مهاجرت یهود را به دیار خود محکوم می‌کند (۱۹۷۵: ۱۶۶):

أرى عدداً في الشَّوْمِ لا كَثَلَاةَ	وَ عَشْرَ وَ لَكِنْ فَاقَهُ فِي الْمَصَائِبِ
هُوَ الْأَلْفُ لَمْ تَعْرِفْ فِلَسْطِينَ ضَرْبَةً	أَشَدَّ وَ أَنْكِي مِنْهُ يَوْمًا لِضَارِبِ
يُهَاجِرُ أَلْفٌ ثُمَّ أَلْفٌ مَهْرَبًا	وَ يَدْخُلُ أَلْفٌ سَائِحًا غَيْرَ آيِبِ
وَ أَلْفٌ جَوَازٌ ثُمَّ أَلْفٌ وَسَيْلُهُ	لِتَسْهِيلِ مَا يَلْقَوْنَهُ مِنْ مَصَاعِبِ
وَ فِي الْبَحْرِ أَلْفٌ كَأَنَّ عِبَابَهُ	وَ أَمْوَاجَهُ مَشْحُونَةٌ فِي الْمَرَآكِبِ
بَنَى وَطَنِي هَلْ يَقْظُهُ بَعْدَ رَقْدِهِ	وَ هَلْ مِنْ شُعَاعٍ بَيْنَ تِلْكَ الْغِيَابِ

(هزاران تن از مردمانی را دیده‌ام که نحسی آنان از عدد سیزده هم فراتر رفته است. به سرزمین فلسطین هرگز ضربه‌ای مهلک‌تر و دردناک‌تر از آن وارد نشده است. هزاران هزار فراری بی‌آن که قصد بازگشتی داشته باشند، از راه دریا به این سرزمین مهاجرت می‌کنند. هزار گذرنامه و هزار جور تسهیلات رفاهی برای رفع مشکلات آنان تدارک دیده شده است. هزاران مهاجر در دریا هستند. گویا حباب‌ها و امواج دریا آکنده از کشتی‌های مهاجران یهودی شده است. ای فرزندان وطنم! آیا از این خواب‌گران بیدار خواهید شد. آیا در میان امواج تاریکی، برق امید خواهد درخشید.)

جلوه‌های وطن‌پرستی در شعر زنان فلسطینی (با تکیه بر اشعار فدوی طوقان) ۱۲۳

آنگاه که فدوی در عرصه‌ی هنر و سرایندگی بالنده شد، کوشید تا با الهام از روحیه‌ی آزادی‌خواهی برادر، راه او را در پیش گیرد و با استفاده از سلاح شعر به بسیج مردم و افزایش سطح آگاهی آنان بپردازد (الاعمال الشعرية الكاملة، ۱۹۹۳: ۴۳۸):

و هُنَاكَ عَلَى أَطْرَافِ الْأَفُقِ هَوَتْ وَ تَعَلَّقَتْ اللَّعْنَةُ
حِينَ جَرَادُ الْقَحْطِ انْدَلَقَ سَيْوِلًا مِنْ خُودَاتِ الْجُنْدِ
الْأَرْضُ تَمِيدُ تَمِيدًا وَ تَسْقُطُ يَبْلِعُهَا طُوفَانُ الْحُلُكَةِ
يَعْبُرُ نَهْرَ الزَّمَنِ عَلَيْهَا بِالْخُطَوَاتِ الْمُرْتَكِبَةِ
يَتَعَثَّرُ، يَرْجِعُ أَوْ يَتَجَمَّدُ

(آنجا در کناره‌های افق لعنت فرو بارید. ملخ قحطی از کلاه خودهای سربازان سیل‌آسا جاری شد. زمین جنبید و جنید و در کام طوفان سپاه گرفتار آمد. رود روزگار با گام‌های لرزان بر آن پا نهاد و لغزید و باز آمد و خشکش زد.)

فدوی با به‌کارگیری رمز «ملخ» سعی در نشان دادن چهره‌ی زشت و کریه‌ی یهودیان دارد. گویا می‌خواهد بگوید همان‌گونه که ملخ با خوردن گیاهان موجب تباهی آن‌ها می‌شود، یهودیان نیز با سلب آزادی و آسایش مردم فلسطین موجبات رنج و عذاب آنان را فراهم ساخته‌اند.

پس از ارجاع مسأله فلسطین به سازمان ملل، طرح تقسیم فلسطین در ۲۹ نوامبر ۱۹۴۷ با حمایت همه‌جانبه‌ی آمریکا از تصویب شورای امنیت گذشت. این طرح خروش فلسطینیان را برانگیخت (قبش، بی‌تا: ۲۰۱). شاعرانی چون فدوی طوقان نیز در خیزشی بی‌سابقه از توطئه‌های جهانی در راه برپایی وطن ملی یهود در فلسطین پرده برداشتند و افکار عمومی را در برابر اتحاد سه‌جانبه‌ی آمریکا، انگلیس و سردمداران جنبش صهیونیسم بیدار ساختند (الاعمال الشعرية الكاملة، ۱۹۹۳: ۴۳۲):

نَسْرًا فَتَسْرًا غَالَهُمْ وَحَشُّ الظَّلَامِ
سَرَقَ السُّمُومُ الْأَعَالَى... أَهْ وَطَنِي
عَلَيْكَ مِنَ الدَّمِ الْغَالِي سَلَامٌ
مِنْ أَجْلِكَ انْفَرَطَتْ عُقُودُ دِمَائِهِمْ
حَبَاتِ مَرْجَانِ كَنُوزِ لَأَلِيءِ

(غول تاریکی عقاب‌ها را یکی پس از دیگری درید. رفعت و بزرگی را از بلندای قامت کمال ربود. آه وطنم سلامی از خون گران بر تو باد. آنان که سینه‌ریز خونشان در هوای تو دانه‌های مرجان و گنج‌های مروارید را پاشید.)

از آن پس فدوی طوقان زندگی و شعر خود را سراسر وقف آرمان‌های والای وطن می‌کند؛ بی‌مهابا پیکان حملات خویش را به سوی استعمارگران نشانه می‌رود و بدین‌سان نام خود را در جمع شعرای متعهد جاودانه می‌سازد (شیخ، ۱۹۹۴: ۷۹).

حوادث، قیام‌های سراسری و جنگ‌ها

از زمان ورود انگلیس به خاک فلسطین و صدور اعلامیه بالفور مبنی بر تشکیل وطن ملی یهود، فلسطینیان پیوسته قیومت و دیگر نقشه‌های سلطه‌جویانه‌ی صهیونیستی را محکوم می‌کردند و خواستار اخراج بیگانگان از خاک کشور و استقلال آن بودند. از این رو فلسطین در سده‌ی بیستم میلادی پیوسته آستان حوادث متعددی شد. از قیام براق در ۱۹۲۹ و قیام شیخ عزالدین قسام در ۱۹۳۵ گرفته تا قیام‌های سراسری میان سال‌های ۱۹۳۶ تا ۱۹۳۹ و جنگ سراسری ۱۹۴۸ که به اشغال بخش وسیعی از خاک فلسطین توسط یهودیان و آواره ساختن ساکنان اصلی آن انجامید، همگی حوادث دردناکی بود که تبعات اجتماعی و روانی متعددی بر جای نهاد (سوافیری، ۱۹۸۵: ۵۹). چه آوارگان فلسطینی که پس از اشغال این سرزمین در کشورهای عربی هم‌جوار آن‌هم در شرایط سخت و ناگوار سرگردان گشته‌اند و چه فلسطینیانی که در زیر چکمه‌های صهیونیست‌ها در داخل سرزمین‌های اشغالی اقامت گزیدند، همگی سودای بازگشت به وطن و آزادسازی آن را در سر داشتند (طوقان، الاعمال الشعریة الکاملة، ۱۹۹۳: ۱۲۰):

أَبْقَى؟ وَ مَنْ قَالَهَا؟ سَاعُودُ بِأَرْضِ الْحَبِيبِ

بَلَى سَاعُودُ هُنَاكَ سَيُطَوَّى كِتَابُ حَيَاتِي

سَيَحْنُو عَلَى نَرَاهَا الْكَرِيمِ وَ يُؤْوِي رِفَاتِي

(آیا [در سرزمینی غریب] بمانم؟ چه کسی گفته؟ به زودی به سرزمین دوست داشتنی‌ام بازمی‌گردم.

آری به زودی باز می‌گردم. آن‌جا کتاب زندگی‌م درهم نوردیده خواهد شد. خاک گران‌بهای آن‌جا بر من مویه خواهد کرد و استخوان‌هایم را در دل خود جای خواهد داد.)

نخستین حادثه‌ای که شعرای فلسطینی با آن مواجه بودند قیام براق در ۱۹۲۹ میلادی است. پس از

بی‌حرمتی یهودیان به «دیوار ندبه» و ادعای مالیکت این دیوار درگیری‌های خونینی میان مسلمانان و

جلوه‌های وطن‌پرستی در شعر زنان فلسطینی (با تکیه بر اشعار فدوی طوقان) ۱۲۵

یهودیان درگرفت، که به کشته، زخمی و زندانی شدن شمار فراوانی از دو طرف انجامید. دولت‌مردان انگلیسی در این ماجرا سه تن از مبارزان فلسطینی به نام‌های فواد حجازی، عطا زبیر و محمد جمجوم را در ۱۷ ژوئن ۱۹۳۰ اعدام کردند. این مبارزان که در راه آزادی ملت و وطن از یوغ استعمارگران جان باختند، بخشی از آثار شعرای فلسطینی در دهه‌ی ۳۰ را به خود اختصاص دادند و شاعران فلسطینی اعم از زن و مرد، در قصاید باشکوهی حمیت، رادمردی و رشادت آنان را ستودند (عطوات، ۱۹۹۸: ۱۲۰). به عنوان بهترین نمونه برای اشعار این دوره می‌توان به قصیده‌ی ابراهیم طوقان اشاره کرد (۱۹۷۵: ۹۹-۱۰۰):

لنا البراق و الحرم
لنا الحمی و لنا العلم
ارواحنا اموالنا
فدی البراق و الحرم

(دیوار براق و حرم [ابراهیم خلیل] از آن ماست. حریم مسجدالاقصی و پرچم به ما تعلق دارد. مال و جان ما فدای دیوار براق و حرم باد.)

از آن پس دعوت به جهاد و مبارزه توسعه‌ای چشمگیر یافت. چندان که در مساجد، باشگاه‌ها، محافل و خانه‌ها همه جا سخن از پایداری و مقاومت به میان می‌آمد. عزالدین قسام که در آن زمان رهبری قیام را در دست داشت، مخفیانه به تشکیل هسته‌ها سری مقاومت دست زد. او سرانجام در ۱۹۳۵ اعلام جهاد کرد و پس از نبردی سهمگین با نیروهای انگلیسی به همراه گروهی از یارانش به شهادت رسید. شهادت عزالدین قسام روح جدیدی در کالبد شاعران فلسطینی دمید و بار دیگر آنان زمینه‌ی مناسبی یافتند تا انگلیس و صهیونیسم را آماج حملات خود سازند. آنان از قسام به عنوان اسطوره‌ی استقامت، رشادت، آزادی‌خواهی، جهاد و فداکاری یاد کردند (طوقان، ۱۹۹۳: ۴۳۷):

تَبَارَزُ بِالْأَغْصَانِ الصُّلْبَةِ
تَشْهَرُهَا سَيْفًا أَوْ حَرْبَةً
تَتَقَمَّصُ شَخْصِيَّاتُ كِفَاحِ أُسْطُورِيَّةٍ
عَنْتَرَهُ الْعَبْدُ الْبَاحِثُ عَنِ الْحَرِيَّةِ فِي دَرْبِ الْمَوْتِ
عَزَالِدِينَ الْقَسَامِ الرَّابِضُ فِي الْأَحْرَاشِ الْجَبَلِيَّةِ
عِبْدَالْقَادِرِ فِي الْقَسَطِ
يَحْيَا وَيُمَارَسُ عِشْقَ الْأَرْضِ

با شاخه‌های خشک می‌جنگیدند. آن‌ها را به عنوان شمشیر و سلاح بیرون می‌کشیدند. جامه‌ی قهرمانان اسطوره‌ای را بر تن می‌کردند. یا در شخصیت عنتره جلوه می‌کردند؛ همان برده‌ای که در کوچه‌های مرگ به دنبال آزادی می‌گشت. یا هم‌چون عزالدین قسام بودند که در میان بوته‌های کوهی کمین کرده است؛ یا مثل عبدالقادر که در قسطل با عاشق به سرزمین فلسطین زنده ماند و جنگید.

سرکوبی قیام عزالدین قسام مقدمه‌ای برای شعله‌ور ساختن قیام سراسری ۱۹۳۶ گشت که تا ۱۹۳۹ هم‌چنان برافروخته بود. از این رو رهبران ملی فلسطین به طور همه جانبه برای تدارک مقدمات قیام کوشیدند. حوادث خونین ۱۹۳۶ که به کشته و مجروح شدن صدها فلسطینی انجامید، نقطه عطفی در تاریخ مبارزات جنبش ملی به‌شمار می‌رفت. فلسطینیان که ریشه‌ی همه‌ی نابسامانی‌ها را در سیاست‌های نادرست بریتانیا می‌دانستند، در جریان این قیام با عزمی راسخ‌تر به مبارزه با انگلیس پرداختند. در نتیجه آتش‌درگیری میان جنبش ملی از یک‌سو و استعمار صهیونیسم و انگلیس از سوی دیگر شدت یافت (احمد، ۱۹۸۱: ۴۲).

با برافروخته شدن آتش جنگ ۱۹۴۸ یهودیان به تسلیح همه جانبه‌ی دست زدند. حمایت‌های بی‌دریغ مادی و نظامی هم پیمانان‌شان، ارایه کمک‌ها و تسهیلات لازم از سوی دولت قیمومت راه را برای آنان هموار ساخت. از آن پس درگیری‌های متعددی در فلسطین به وقوع پیوست که نبرد دیرباسین، الجلیل و قسطل از آن جمله بود. این رخدادها سبب شد تا شاعران فلسطینی نیز با سلاح برنده شعر به میدان نبرد آیند و با قصاید شورانگیز خود از مبارزان دفاع کنند (طوقان، ۱۹۹۳: ۳۹۶-۳۹۷):

أَحْبَائِي حِصَانُ الشَّعْبِ جَاوَزَ كِبُوَةَ الْأَمْسِ

وَهَبَ الشَّهْمُ مُنْتَفِضًا وَرَاءَ النَّهْرِ

أَصِيخُوا، هَا حِصَانُ الشَّعْبِ

يَصْهَلُ وَاتَّقِ النَّهْمَةَ

وَيَقْلِتُ مِنْ حِصَارِ النَّحْسِ وَالْعَتَمَةِ

وَيَعْدُو نَحْوَ مَرَفَتِهِ عَلَى الشَّمْسِ

وَتِلْكَ مَوَاكِبُ الْفُرْسَانِ مُلْتَمَّةِ

تَبَارَكُهُ وَتَفْدِيهِ

جلوه‌های وطن‌پرستی در شعر زنان فلسطینی (با تکیه بر اشعار فدوی طوقان) ۱۲۷

وَ مِنْ ذُوبِ الْعَقِيقِ وَ مِنْ دَمِ الْمَرْجَانِ تَسْقِيهِ
وَ مِنْ أَشْلَائِهَا عِلْفًا وَفِيرَ الْفَيْضِ تُعْطِيهِ
وَ تَهْتِفُ بِالْحِصَانِ الْخُرِّ: عَدُوًّا يَا حِصَانَ الشَّعْبِ

(یارانم! اسب راهوار ملت از لغزش دیروز گذشته است. رادمرد آن سوی رود قد برافراشته و دست به قیام زده است. گوش فرا دهید که اسب ملت با صلابت شیبه سرمی‌دهد و از بند شر و سستی می‌رهد. به سوی لنگرگاه روشن خورشید می‌شتابد. در آن جا چابک سواران گرد آمده‌اند؛ بزرگش می‌دارند و برایش قربانی می‌کنند. از آب عقیق و خون مرجان سیرابش می‌کنند. از بدن‌های تکه‌تکه خود خوراکش می‌دهند. با فریاد به اسب راهوار آزادی می‌گویند: ای اسب ملت بشتاب.)

با سقوط شهرهای فلسطینی یکی پس از دیگری به دست یهودیان در جریان جنگ ۱۹۴۸ و عقب نشینی ارتش عرب از این سرزمین، شیرازه نظام سیاسی، اداری، اقتصادی و فرهنگی فلسطینیان از هم گست. پس از شکست ۱۹۴۸ نوعی سرخوردگی، یاس و نومیدی در شعر معاصر فلسطین پدید آمد (عباس، ۲۰۰۱: ۴۹). شاعر از اشغال سرزمینش می‌نالید و اندوه بیکران وارثان اصلی آن را در تابلوهای حزن انگیزی به نمایش می‌گذارد و دره، رنج، آوارگی، فقر و فلاکت هم‌وطنانش را به تصویر می‌کشد (طوقان، ۱۹۹۳: ۱۰۸-۱۰۹)

يا وَطَنِي مَا لَكَ يُحْنِي عَلَيَّ
جِرْحُكَ مَا أَعْمَقَ أَغْوَارَهُ
سَتَنْجَلِي الْغَمْرَةَ يَا مَوْطَنِي
وَ الْأَمَلُ الظَّامِيُّ مَهْمَا دَوَى
رُوحَكَ مَعْنَى الْمَوْتِ مَعْنَى الْعَدَمِ
كَمْ يَتَنَزَّرُ تَحْتَ نَابِ الْأَلَمِ
وَ يَمَسِّحُ الْفَجْرُ غَوَاشِي الظُّلْمِ
لِسَوْفَ يُبْرِيهِ بِلَهَيْبٍ وَ دَمِ

(میهنم! تو را چه شده، درحالی که معنی مرگ و نیستی تو را مصیبت‌زده کرده است. زخمت چقدر عمیق و ریشه‌دار است! چه زمان از نیش دندان درد برمی‌جهد؟ میهنم! آشوب کنار خواهد رفت و سپیده دم پیروزی پرده‌های ستم را کنار خواهد زد. امید تشنه‌مان چون پرموده گردد، با زبانه‌ی آتش و خون سیراب خواهد شد.)

اسرائیل در پی تحقق سیاست توسعه‌طلبانه‌ی خود در ژوئن ۱۹۶۷ به کرانه‌ی غربی و نوارغزه یورش برد و طی نبرد شش روزه‌ای با اعراب این مناطق را به تصرف خود درآورد. بدین‌سان صیهونیست‌ها سیطره‌ی خود را بر سراسر فلسطین تحکیم بخشیدند. جنگ ژوئن ۱۹۶۷ را نقطه عطفی در تاریخ

۱۲۸ زن در فرهنگ و هنر (پژوهش زنان)، دوره‌ی ۱، شماره‌ی ۴، تابستان ۱۳۸۹

فلسطین دانسته‌اند، که ترویج روحیه‌ی آزادی‌خواهی و وطن‌پرستی از مهم‌ترین دستاوردهای آن بود. گذشته از آن توانست تحولی عظیم در روند شعر معاصر فلسطین پدید آورد. بعدها که گروه‌های مقاومت فلسطینی دامنه نبرد مسلحانه خود را برضد منافع اسرائیل توسعه دادند و سازمان آزادی‌بخش فلسطین (ساف) توانست در محافل عربی و مجامع بین‌المللی به عنوان تنها نماینده‌ی رسمی و قانونی ملت فلسطین مطرح گردد، ساکنان مناطق اشغالی و فلسطینیان آواره اعتمادبه‌نفس خود را بازیافتند و عزم آنان در راه مبارزه با اسرائیل تا آزادی کامل فلسطین راسخ‌تر شد.

شعرا اندک‌اندک بر شمار قصاید و ترانه‌های ملی خود افزودند و بدین‌گونه ضمن ترویج روحیه‌ی مقاومت در برابر سیاست‌های یهودی‌سازی اسرائیل و محو شخصیت عربی‌قد برافراشتند. پس از جنگ ژوئن ۱۹۶۷، رد هرگونه سازش، تشویق برای بسیج و سازماندهی نیروهای ملی، همبستگی، ایثار، ثبات، پایداری، جان‌فشانی، حفظ زمین و عدم چشم‌پوشی از یک وجب خاک وطن، همگی مفاهیمی بودند که در شعر معاصر فلسطین به ویژه فدوی طوقان خودنمایی می‌کرد (اللیل و الفرسان، ۱۹۵۴: ۵۵)

أَحِبَّائِي مَصَابِيحَ الدُّجَىٰ يَا إِخْوَتِي فِي الْجُرْحِ

و يَا سِرَّ الخَمِيرَةِ وَا يَا بِنَارَ القُمُحِ

يَمُوتُ هُنَا لِيُعْطِينَا وَا لِيُعْطِينَا

(ای دوستانم! ای چراغ‌های فروزان در دل تاریکی! ای برادران مجروحم! ای خمیر مایه‌ی اصلی و ای دانه‌ی هستی بخش گندم! اینک او در این‌جا جان می‌سپارد تا [آزادی] را به ما هدیه کند.)
به عقیده فدوی طوقان تنها راه نجات فلسطین از تباهی، افشاندن خون و نثار جان در راه آن است (همان، ۹۴-۱۰۳):

كفاني أُمُوتُ عَلَي أَرْضِهَا

وَأَدْفِنُ فِيهَا

وَتَحْتَ ثَرَاهَا أَدُوبٌ وَا أَفْنِي

وَأَبْعَثُ عُشْبًا عَلَي أَرْضِهَا

وَأَبْعَثُ زَهْرَةً

تَعِيثُ بِهَا كَفُّ طِفْلِ نَمْتَهُ بِلَادِي

كفاني أَظِلُّ بِحَضْنِ بِلَادِي

جلوه‌های وطن‌پرستی در شعر زنان فلسطینی (با تکیه بر اشعار فدوی طوقان) ۱۲۹

تُرَاباً وَ عُشْباً وَ زَهْرَةً

(مرا بس است که در خاک وطن بمیرم و در آن مدفون شوم. زیر خاکش ذوب و فانی گرددم. آنگاه چون گیاهی از دل خاک سر برآورم، شکوفه دهم و دست کودکان میهنم آن‌را از شاخه برچیند. همین بس که در دامنش بیارامم، خاک باشم، گیاه و شکوفه باشم.)

نتیجه‌گیری

از آن‌چه گذشت درمی‌یابیم که شاعران برجسته فلسطینی چون فدوی طوقان دوشادوش دیگر هم‌وطنان خود برای ترویج روحیه‌ی وطن‌پرستی و برانگیختن احساسات ملی گام برداشته‌اند و پیوسته مردم را به قیام، مبارزه، پایداری، جان‌فشانی و ... فرا خوانده‌اند. از این روست که برخی معتقدند شعر ملی فلسطین نه تنها صلاح برنده‌ای برای سرکوب دشمن به شمار می‌رفت، بلکه جزئی از رهبری جنبش ملی بود که رسالت خود را در راه هدایت افکار عمومی و بسیج توده‌ها به ویژه جوانان بر ضد صهیونیسم به نیکی ایفا کرد. در نتیجه شعرای میهن‌پرست فلسطینی چون فدوی طوقان پایگاه مردمی والایی در میان توده‌ها داشتند و پیوسته از حمایت بی‌دریغ آنان برخوردار بودند. به طور کلی مهم‌ترین مفاهیم وطن‌پرستی که در شعر فدوی طوقان جلوه‌گر است، از این قرارند:

- دعوت به اتحاد و هم‌بستگی و پرهیز از نفاق و تفرقه در راه آزادسازی وطن
- محکوم کردن سیاست‌های سرکوب‌گرایانه استعمارگران
- توجه خاص به مسأله زمین و مالکیت فلسطینیان و بر حذر داشتن مردم از فروش یا واگذاری اراضی عربی به یهودیان
- ذکر حوادث، قیام‌ها و جنگ‌های خونین فلسطین
- دعوت به ثبات، پایداری و جان‌فشانی در راه وطن
- تمجید از دلاوری‌های شهدا و قهرمانان ملی

منابع

ابویصیر، صالح (۱۹۷۱) جهاد شعب فلسطین، دار الفتح، بیروت.
احمد، نجیب (۱۹۸۱) فلسطین تاریخاً و نضالاً، دار الجلیل، عمان.

١٣٠ زن در فرهنگ و هنر (پژوهش زنان)، دوره ١، شماره ٤، تابستان ١٣٨٩

خطيب، يوسف (١٩٥٩) عائدون، دار الآداب، بيروت.

سوافيري، كامل (١٩٨٥) الشعر العربي الحديث في مأساة فلسطين، مطبعة السجل لعرب، قاهره.

شيخ، غريد (١٩٩٤) فدوى طوقان شعر و التزام، دار الكتب العلميه، بيروت.

طوقان، ابراهيم (١٩٧٥) ديوان، به كوشش احسان عباس، دار القدس، بيروت.

طوقان، فدوى (١٩٩٣) الاعمال الشعريه الكامله، المؤسسة العربيه للدراسات و النشر.

----- (١٩٨٨) رحلة جليله رحلة صعبة، دار الشروق للنشر و التوزيع، اردن.

----- (١٩٥٤) الليل و الفرسان، دارالعودة، بيروت.

----- (١٩٥٥) وحدى مع الايام، دار مصر للطباعة، قاهره.

عباس، احسان (٢٠٠١) اتجاهات الشعر العربي المعاصر، دار الشروق للنشر و التوزيع، اردن.

عطوات، محمدعبدالله (١٩٩٨) الاتجاهات الوطنيه في الشعر الفلسطيني المعاصر، دار الآفاق الجديده، بيروت.

قبش، احمد (بي تا) تاريخ الشعر العربي الحديث، دار الجليل، بيروت.

كيالى، عبدالرحمان (١٩٧٥) الشعر الفلسطيني في نكبة فلسطين، المؤسسة العربيه للدراسات و النشر، بيروت.

كيالى، عبدالوهاب (١٩٧١) تاريخ فلسطين الحديث، المؤسسة العربيه للدراسات و النشر، بيروت.

ياغى، عبدالرحمان (١٩٨١) حياة الادب الفلسطيني الحديث، دار الآفاق الجديده، بيروت.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی